



## تجلیل تلویزیون از ناصر تقوایی

گروه ادب و هنر | شبکه مستند سیما در مراسم «میم مثل مستند» ضمن رونمایی از آثار برجسته مستندسازان پیشکسوت ازجمله ناصر تقوایی، خسرو سینایی، محمدرضا اصالتی، منوچهر طبیب، حسین ترابی و محمدعلی فارسی در دهه‌های ۴۰ تا ۶۰، از برخی از این هنرمندان تقدیر می‌کند. شنب نیکوداشت بزگان و رونمایی از گنجینه‌های سینمای مستند ایران، ۱۶ شهریور توسط شبکه مستند در مرکز همایش‌های صداوسیما برگزار می‌شود. در این مراسم قرار است از مستندسازان پیشکسوت تقدیر شود. همچنین در این مراسم از خانواده شهید آوینی، زنده‌یاد محمدرضا مقدسیان و زنده‌یاد مرتضی ندایی تجلیل می‌شود.

### کافه کتاب

**نقدی بر «پلنگ‌های کافکا» اثر موآسیر اسکیلر**

## اندر آحوالات مواجهه با کافکا



**امیرحسین بریمایی**

«پلنگ‌های کافکا» به ترجمه ناصر غیاثی در سال ۹۴ توسط انتشارات چشمه به چاپ رسیده است. موآسیر اسکیلر یکی از مشهورترین نویسندگان برزیلی است که چهار بار جایزه ادبیات برزیل به او تعلق گرفته است. آثار او به زبان‌های بسیاری ترجمه شده و «پلنگ‌های کافکا» نخستین ترجمه فارسی از آثار اوست. «پلنگ‌های کافکا» در کلیت کلان خود و به‌عنوان یک نوشتار و نه تشکیل‌شده از جملات با ساختارهای گوناگون، پریشان و آشفته است. نویسنده برزیلی، در مانش، داستان یک روستایی رومانیایی را می‌گوید که تلاش دارد در انقلاب کمونیستی روسیه سهیم باشد. او به پراگ می‌رود و در آنجا با فرانتس کافکا آشنا می‌شود و دست آخر هم، همراه خانواده به برزیل نقل مکان می‌کند. همان‌طور که گفتیم «پلنگ‌های کافکا» متن آشفته‌ای است. برای شفاف‌سازی علل این آشفتگی در گام نخست باید باور کنیم که این مهم امری ناخواسته نبوده و نویسنده از آشفتگی متشن، فارغ از اینکه از آن به‌عنوان ابزار داستان‌سازی استفاده کرده باشد، همواره رویکرد و تدبیری برای پدید آوردن معنا را نیز در نظر داشته است.

رمان با دستگیری یک مجرم آغاز می‌شود؛ مجرمی که نوشته‌ای رمزآميز با امضای شخصی به نام کافکا همراه دارد. نویسنده، سپس به ماقع می‌پردازد تا جریان را روشن کند. همین مورد نخستین رمزی است که راوی با تشریح رویدادهای پیشین بنا دارد آن را بگشاید و سوظن خواننده را برطرف کند. برای یافتن موضوع و سوژه



اصلی باید این‌دو راز را مورد بررسی قرار داد تا با کنار زدن نظام استعاره‌ای، مباحث را اعتبارسنجی کرد که از رجحیت این دو را بر آن دیگری بباییم. خط داستانی، موضوعیت را به علل دستگیری مظنون می‌بخشد؛ اما پیرنگ، تنها طرح داستانی است و معنا را فاش نمی‌کند. پس اگر موآسیر اسکیلر صرفاً قصد داستان‌گویی نداشته باشد، سوژه اصلی را در پیرنگ بیان نکرده و آن را در زیرمتن کتاب پنهان کرده است. دستنوشته کافکا همواره چون

نقش‌نامه در تمام خط داستانی حضور دارد و موجب رخدادهای دراماتیک می‌شود

و دغدغه اصلی اثر را تشکیل می‌دهد. در این تعبیر، از دستنوشته کافکا رمزگشایی می‌شود و قطعه نخستین کتاب تنها استعاره‌ای متنی است تا موضوعیت «کشف راز» را مورد تأکید قرار دهد.

پرسش پنهانی کتاب راجع تفسیر متون کافکاست؛ برخورد مخاطب با ادبیات کافکا باید چگونه باشد تا بتواند دست به تفسیر آن برزند؟ به‌طور کلی می‌توانیم به دریافتی مشترک از آثار کافکا برسیم؟ «پلنگ‌های کافکا» همواره در تلاش برای پاسخگویی به این قبیل سوالات است و همواره نیز پاسخ منفی دریافت می‌کند. هرمنوتیک سنتی عقیده دارد برای تاویل و تفسیر آثار نیازمند آگاهی به مولف و شرایط اجتماعی تاریخی او در زمان تألیف اثر هستیم. پیش‌دآوری نسبت به نوشتار مورد تأکید قرار می‌گیرد و خوانش آن جز از طریق رویکردی به برون متن میسر نیست. موآسیر اسکیلر شخصیت اصلی داستانش را در برهه زمانی کافکا قرار می‌دهد و شرایط اجتماعی حاضر در آن را به خوبی تصویر می‌کند. حسال این رویکرد به بیرون متن دست‌نوشته کافکا آرا هگشا به رمزگشایی آن خواهد شد؟ شخصیت اصلی در چالش گرفتار می‌شود که پیروزی‌اش در گرو رمزگشایی از متن کافکاست، به همین دلیل پیش‌دآوری و انتظاراتی نسبت به دستنوشته دارد که تنها ابزار او برای تفسیرند. انقلاب کمونیستی روسیه و حواش آن یکی از مهم‌ترین شرایط معاصر کافکا بوده و چنانکه هرمنوتیک سنتی باور دارد، باید با نگرش تاریخی به متون کافکا، به تفسیری واحد از او دست یابیم. «پلنگ‌های کافکا» این رویکرد را به چالش می‌کشد و با تدابیر دراماتیک، هرمنوتیک سنتی را نفی می‌کند.

پنجامین (شخصیت اصلی داستان) از دستنوشته انتظار توضیح ماموریت خود در انقلاب کمونیستی دارد و با چنین پیش‌دآوری‌ای آن را مورد خوانش قرار می‌دهد و سعی دارد نظام استعاره را به نفع توضیحات ماموریت خود کنار بزند. سرانجام به تفسیر متن می‌رسد و ماموریتی را که از متن اتخاذ کرده اجرا می‌کند و به نتیجه‌ای اسف‌بار و مضحک می‌رسد. کتاب موضوعیت خود را به چالش می‌کشد و سپس ناورد می‌کند. خود را به سفره می‌گیرد و در این راه شخصیت اصلی خود را شکست خورده و بی‌عرضه معرفی می‌کند.

ریتم تند داستان باعث می‌شود راوی مجالی برای توصیفات مکانی نداشته باشد و به شرح شرایط سیاسی (به‌عنوان ابزارهای کمک‌رسان به خلق مفهوم نهایی) بپردازد. موآسیر اسکیلر در این اثر، کافکا را زنده و متن او را بازتابین می‌کند. در آخر به این نتیجه می‌رسد که کافکا ویرانگر هرمنوتیک سنتی است و تحولات داستان‌های مدرن و ابطال مفهوم تک‌معنایی بودن متون را ناخواسته موجب می‌شود.

### خبر

## نویسندگان

## به‌کمک پناهجویان آمدند



عکس تک‌اندهنده کودک سه‌ساله سوری موج‌عقیقی از تاسف و ناراحتی مردم و هنرمندان را به همراه داشت. نویسندگان و چهره‌های هنری و ادبی بسیاری در سراسر جهان با به اشتراک گذاری این عکس نسبت به وضعیت اسف‌بار پناهندگان واکنش داده و البته برخی به این واکنش‌های اکثراً مجازی نیز راضی نشده‌اند.

پاتریک سن، نویسنده «تماس تلفنی هیولا» به همراه جان گرین، درک لندی و جوجو موزیک کمپنی راه‌انداخته‌اند و به جمع آوری کمک برای این پناهندگان روی آورده‌اند. نس‌که به نوعی تشکیل‌دهنده اصلی این کمپین بود ضمن کمک ۱۰ هزار پوندی در یک گفت‌وگو اعلام کرد که «دیگر از اینکه تنها در توئیتر خود درباره بحران پناهندگان تاسف خودم را ابراز کنم، خسته شدم.» این کمپین توانست ظرف مدت ۲۴ساعت ۱۵ هزار دلار برای کمک به پناهندگان جمع‌آوری کند.

## #

# ادب‌وهنر

www.Farheekhtegan.ir

Sun | 6 Sep 2015 | vol.07 | No. 1751

یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ | ۲۲بقیعده ۱۴۳۶ | ۶ سپتامبر ۲۰۱۵ | شماره ۱۷۵۱

دولت‌آبادی در مراسم عکس‌های پرویز مشکاتیان

## مشکاتیان دررعد خویش آتش گرفت



بود که مرا نگران کرد. انسانی که در این تصاویر می‌بینیم در کمال خردمندی و آگاهی و بصیرت صحبت می‌کند در آن دیدار من را بسیار نگران کرد و هنگامی که شنیدم یادمانی برای او در حال برگزاری است فکر کردم که اگر بنا باشد صحبتی بکنم چه خواهم گفت و آنچه می‌گویم نتیجه پرویز مشکاتیان در مقام یک هنرمند بی‌همتاست نه درباره خود او.

شوریدگی یکی از تهدیدهای هنرمند است اگر

### محسن بوالحسنی



bolhasani1981@fdn.ir

فرهنگستان زبان و ادب فارسی جدیدترین واژگان پیشنهادی خود را برای جایگزین کردن با کلماتی که از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده‌اند به مردم معرفی کرد.

یکی از بروزترین و تازه‌ترین کلماتی که در یکی، دوسال اخیر بسیار ورد زبان مردم شده واژه «سلفی» است که بعد از گرفتن و مدشدن عکس‌هایی که مردم با دوربین از خودشان می‌گیرند، کارکرد زیادی پیدا کرد و به کلمه و اصطلاح مشهوری تبدیل شد.

معادل‌سازی برای این کلمه و دیگر کلمات عجیب و غریبی که به‌عنوان واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی معرفی شده نشان از آن دارد که فرهنگستانی‌ها بسیار عملکرد به‌روزی دارند و سعی می‌کنند برای هر کلمه‌ای که در حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و… کاربرد پیدا می‌کند یا به قولی مد می‌شود، معادلی پیدا کنند تا زبان فارسی از شر حضور کلمات بیگانه‌رها شود.

این واژگان که به قول فرهنگستانی‌ها تصویب اولیه شده‌اند – در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرند تا بازخورد آنها مشخص و پس از تایید زبانی مردم تصویب نهایی شوند- اغلب به شوخی شپه‌بند و از بین چند صد کلمه‌ای که این فرهنگستان تا امروز به زیور معادل‌سازی آراسته شاید کمتر از تعداد انگشتان یک دست، واژه به ذهن و زبان مردم راه پیدا کرده‌اند. اما نکته قابل تامل این موضوع رابطه و نقش زبان با خود و با پیرامون خود است که گویی از ذهن استادان فرهنگستان نادیده گرفته می‌شود و تجربه و تلاش به پیروزی نرسیده و طرد شده این سال‌ها آنها را به فرصت

فرهنگستان زبان واژه‌های جدیدش را معرفی کرد

## «بازویی» برای «خودعکس جمعی»



طراحی: شیروانه عطایی/فرهنگستان

مطالعه درباره جرایبی این شکسته‌ها در واژه‌سازی نرسانده است. اینکه زبانی‌پذیرای زبان‌های دیگر باشد و به راحتی کلمات وارداتی را بپذیرد و در خود هضم کند، از یک طرف نشان از ظرفیت‌های آن زبان و از طرف دیگر نشان از پویایی و روزه جلو بودن آن دارد که همین مساله باعث نامیرایی و شیرین‌شدن زبانی‌مانند زبان فارسی خواهد بود.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اصرار سعی دارد زبان فارسی را از زبان‌های دیگر تهی کند و به هر شکل ممکن وظیفه ذاتی خود می‌داند که از کلمات

“

*رابطه و نقش زبان با خود و با پیرامون خود است که گویی در ذهن استادان فرهنگستان نادیده گرفته می‌شود و تجربه و تلاش به پیروزی نرسیده و طردشده این سال‌ها آنها را به فرصت مطالعه درباره جرایبی این شکسته‌ها در واژه‌سازی نرسانده است*

”

نه نهادهای فرهنگی، نگاهی ساده و در حوزه جامعه‌شناسی زبان در استان‌های

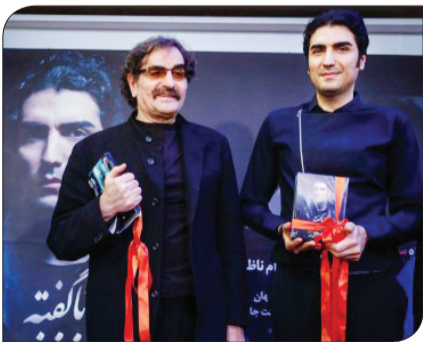
جنوبی ما مصداق این نظریه است که زبان با بوم خود و بوم با زبان مردم خود به خوبی همخوان می‌شود و این مساله دلیلی بر مضمحل شدن زبان یا از دست رفتن بخشی از زبان فارسی در کلمات و زبان‌های دیگر نیست.

این تنها بده‌بستانی زبانی است که زبان‌هایی که پویایی و ظرفیت بالایی دارند می‌توانند از آن بهره ببرند و به حیات خود ادامه دهند. البته فرهنگستان زبان احتمالاً به خوبی می‌داند که بحث و مساله اصلی در باب معادل‌سازی، کاربردی‌شدن آن در بطن جامعه است و آن‌طور که گفته شد این جامعه هنوز ترمینال را به جای پایانه، مسیج و اسم‌اس را به جای پیامک، هلیکوپتر را به جای بالگرد و چرخ‌بال به کار می‌برد و هیچ‌گزندی هم به زبان فارسی وارد نشده است.

اگر معادل‌هایی که دیروز فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب اولیه کرد را با هم مروری کنیم به این نکته می‌رسیم که این کلمات بسر فرض استفاده، در کنار کلمات دیگر سازنده یک جهان ناهمگون قرون وسطایی و مدرن‌امروزی تشکیل خواهند داد که طنز این شکل زبان، بیش از قیح استفاده از شکل فرنگی‌شان خواهد بود.

«خودعکس» به‌جای «سلفی»، «رهباب» به‌جای «جی‌پی‌اس»، «خودپیرداز» به‌جای «ای‌تیم‌ام»، «آژین‌کاری» به‌جای «پیرسینک»، «گل‌آهن» به‌جای «فرورژه»، «پاروک» به‌جای «اسکوتر»، «بازویی» به‌جای «موناپاد»، «سنجاقی» به‌جای «پیکسل»، «دلقین‌خانه» به‌جای «دلقیناریوم»، «سراسرنامه» به‌جای «پانوراما» و «نویسه‌نگاری» به‌جای «تایپوگرافی»- اینن واژگان معادل‌های تازه‌ای هستند که فرهنگستان زبان و ادب فارسی به مردم پیشنهاد داده تا به جای کلمات فرنگی از آن استفاده‌کنند.

### موسیقی



هستند که باید قدردان تک‌تک آنها بشنیم و قدر حضور آنها را بدانیم. بنده به سهم خود برای این استاد مسلم موسیقی ایرانی آرزوی سلامتی و طول‌عمر دارم و امیدوارم هرچه زودتر سلامت‌ی کامل خود را به دست بیاوراند.»

بعد هم از کیفیت بد صداپردازی سالن وزارت کشور گلایه کرد و گفت:«متاسفانه سالی که در شأن اجرای یک اثر موسیقی خوب باشد در ایران وجود ندارد و به نظر من صدابرداران این تالار هنرنامایی می‌کنند که می‌توانند حتی چنین صدایی را از کنسرت به مخاطب ارائه دهند. به‌طور حتم اگر شرایط صدای این تالار که قطعاً ویژه برگزاری کنسرت نیست از آکوستیک‌بتری برخوردار بود کیفیت صدا و اجرای کنسرت نیز زمین تا آسمان فرق می‌کرد.» در کنسرت «ناگفته‌ها» برای نخستین بار از سه تار تکامل یافته «حافظ» ساخته حافظ ناظری رونمایی شد که به گفته خودش برای ساخت این ساز بیش از سه سال وقت صرف شد و نزدیک به چهل نمونه از آن ساخته شد تا در نهایت این طرح نو، انتخاب و تکمیل شد.

# فرهنگستان

### سینما

«احتمال باران اسیدی» در زوزیع



گروه ادب و هنر| فیلم سینمایی «احتمال باران اسیدی» نخستین ساخته بهتاش صناعی‌ها به بخش «چشم‌انداز جدید جهان» یازدهمین جشنواره معتبر و تأثیرگذار فیلم زوزیع راه یافت. این فیلم که در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر موفقی به دریافت جایزه بهترین فیلمنامه در بخش نگاه نو (فیلم اولی‌ها) و نامزد جایزه بهترین فیلم در بخش «هنر و تجربه» شد، با حاشیه‌هایی که برخی رسانه‌های تندرو با نسبت دادن‌های بی‌اساسی برای این فیلم به وجود آوردند، اکران آن تا‌امروز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. حبیب

ایل بیگی، معاون نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وضعیت اکران این فیلم را منوط به انجام پاره‌ای اصلاحات دانست که با تهیه‌کنندگان فیلم در میان گذاشته‌شده است. او گفته است: «عوامل فیلم هم پذیرفتن برداشتهایی از فیلم وجود دارد و برای اصلاح آن اقدام کردند و بعد از اصلاحات پروانه نمایش خواهیم داد. تا وقتی که نسخه کامل درست و بدون شائبه آن را نبینیم منتظر می‌مانیم که اصلاح‌شود تا آنچه به نمایش درمی‌آید باعث تکدرخاطر جامعه نشود و نکات فرهنگی در فیلم‌ها مدنظرمان است.» شمس لنگرودی، شاعر و محقق نام‌آشنای معاصر که در این فیلم بازی دارد، چندی پیش از وضعیت مبهم اکران آن ابراز تاسف کرده بود. لنگرودی گفته است: «ارزش فیلم «احتمال باران اسیدی»، ازجمله در لغزندگی معنایی یا به اعتباری در ابهام‌هایش است. دو چیز در هنر بد است: ابهام و صراحت. و هر دو از ناتوانی است. علم است که باید هر چه بیشتر روشن و صریح باشد، چون قصدش روشن کردن مطلبی است که مولفش گمان می‌کند برای خودش روشن شده و حالا می‌خواهد برای دیگران هم روشن کند. اما هنر بعد از این مرحله است. یعنی مرحله‌ای که بعد از غور بسیار در مطلبی هنرمند حس می‌کند «در اندرون من خسته‌ندل ندانم چیست» و سعی می‌کند آن را به بهترین وجه «بیان» کند. هنرمند نمی‌خواهد چیزی را برای کسی روشن کند چون برای خودش روشن نیست؛ پس کسی که به یک وجه‌اثر هنری می‌پردازد، باید بپذیند که این تنها برداشت او از آن اثر است و الزماً قابل تعمیم نیست.»

### کتاب

مدال اوپاما به جوپا لاهیری



گروه ادب و هنر | باراک اوپاما رئیس‌جمهور آمریکا طی مراسمی رسمی در هفته آینده مدال ملی «انسان‌دوستی» ۲۰۱۴ را به‌گردن جوپا لاهیری داستان‌نویس مطرح هندی – آمریکایی می‌آویزد. لاهیری این جایزه را به پاس فعالیت‌هایش در حوزه «عمومی‌کردن ادبیات و عمق بخشیدن درک جامعه از تجربیات انسانی» دریافت می‌کند. از برندگان پیشین این مدال می‌توان به استیون اسپیلبرگ کارگردان سرشناس اشاره کرد. لاهیری ماه‌زانویه موفق‌شد جایزه ادبیات جنوب آسیا را برای رمان «زمین پست» به‌خود اختصاص دهد. «مترجم دردها» معروف‌ترین کتاب اوست که در سال ۲۰۰۰ جایزه پولیتزر را برایش به‌ارمعان آورد. لاهیری از پدر و مادری بنگالی در لندن به دنیا آمد و در کودکی به آمریکا مهاجرت کرد. او در ایران نیز مخاطبان زیادی دارد و کتاب‌هایش با ترجمه‌های متعددی منتشر شده‌است.